

نقش برتر الگوی اقتضایی در سلامت روح از دیدگاه قرآن و روایات

دکتر غلامرضا خوش نیت^۱ - مصیب صیادی^۲

چکیده

الگوهای روابط اجتماعی، با سلامت روح و روان افراد ارتباط مستقیم دارد. با عنایت به نقاط ضعف بیشتر الگوها، انتخاب الگوی برتر دغدغه‌ای اساسی به شمار می‌آید. هدف اولیه این پژوهش، شناسایی مفهوم، انگیزه و تأثیر مثبت و منفی الگوهای روابط اجتماعی «پرخاشگری، سازشگری و قاطعیت» در سلامت روح و روان و در نهایت معرفی الگوی ارتباطی جدیدی با عنوان «الگوی اقتضایی» می‌باشد که نقش برتر آن در سلامت روح و روان بر اساس آیات قرآن و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) را بیان می‌کند. روش تحقیق، تحلیلی و توصیفی است که بر داده‌های دینی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مبتنی است. یافته‌های اصلی این تحقیق اثبات می‌کند که بهترین الگو در روابط اجتماعی، الگوی اقتضایی است؛ چرا که کارایی کامل و مؤثرتری در فرایند ارتباط دارد و پیامبران و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در شرایط و موقعیت‌های مختلف از این الگوی رفتاری استفاده کرده‌اند و در نتیجه با کاربست این الگو سلامت روح و روان افراد بیشتر تأمین می‌شود. نتایج حاصل از این پژوهش برای تک‌تک افراد اجتماع به صورت عمومی و برای پژوهشگران،

شماره سال سی و نهم / ش ۱۴۹ / زمستان ۱۳۹۹

r.khoshneyat@yahoo.com

zarrin1355@gmail.com

۱- استادیار دانشکده شهید محلاتی قم (نویسنده مسئول).

۲- دانشجوی دکتری دانشکده اصول الدین قم.

دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۷ - پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۳ (ص ۲۵-۴۵).

محققان، روان‌شناسان و مدیران به صورت خصوصی قابل استفاده است.
کلیدواژه‌ها: الگوی اقتضایی، سلامت روح، آیات و روایات، الگوی قاطعیت.

مقدمه

در روابط اجتماعی انواعی از الگوها برای رساندن پیام، تأمین حقوق افراد، نشان دادن شخصیت و تغییر دادن رفتار دیگران وجود دارد. انسان در فرایند جامعه‌پذیری می‌آموزد که خود را به عنوان موجودی مستقل و جدا از دیگران بازشناسد (ستوده، ۱۳۸۸: ۲۵۱). شناخت این الگوها برای آن است که فرد بتواند پیام خود را به دیگران برساند و از روابط با آنان نیازهای خود را در ابعاد مختلف شناختی و عاطفی، فردی و اجتماعی تأمین نماید تا بدین وسیله اسباب سلامت روح و روان حاصل شود. هریک از این الگوها ویژگی‌هایی دارد که آگاهی از آن‌ها می‌تواند فرد را در بهره‌مندی از آثار مثبت الگوی مطلوب و دوری از پیامدهای منفی الگوهای نامطلوب یاری نماید. این در حالی است که به این مبحث در روان‌شناسی پرداخته شده، ولی در حوزه معارف اسلامی تاکنون تحقیقی صورت نگرفته و از سوی دیگر تا به حال الگوی مدونی براساس آموزه‌های اسلامی تهیه نشده است؛ بنابراین شایسته است انواع الگوهای رفتاری و نوع مطلوب آن براساس آموزه‌های دینی مورد مطالعه قرار گیرد تا الگویی فرایندمدار با تکیه بر منابع دینی ارائه گردد و بدین وسیله هر چه بیشتر سلامت روح و روان حقیقی به دست آید؛ زیرا راه جامع برای رسیدن به اهداف مورد رضایت خداوند چنگ زدن به آموزه‌های قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «به شوق روید یا به غم، علم صحیحی نخواهید یافت، مگر آن چیزی که از ناحیه ما صادر شده است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۲/۲). این تحقیق با بیان مختصر سه الگوی متداول در روابط اجتماعی، به شناسایی انگیزه‌ها، پیامدها و آسیب‌های احتمالی آن‌ها پرداخته و در نهایت به طور مفصل بهترین الگوی ارتباطی در تعاملات اجتماعی از دیدگاه قرآن و حدیث را بررسی می‌کند و به نقش آن در سلامت روح و روان اشاره می‌نماید.

الگوهای رفتاری

۱. **الگوی پرخاشگری:** پرخاش در لغت به معنای درشتی و تندى از روی خشم و عتاب (عمید، ۱۳۷۷: ۳۲۱) و در اصطلاح، عمل و رفتاری که به طور مستقیم و هدفمند، در پی آزار و اذیت رساندن به کسانی است که مایل نیستند مورد آزار و اذیت قرار گیرند (فرانزوی، ۱۳۸۱: ۲۴۸).

انگیزه‌های پرخاشگری، بهره‌مندی خودخواهانه از منافع (لهسایبی زاده، ۱۳۷۷: ۹۷) و نشان دادن توانایی‌های خود است (کیت نش، ۱۳۸۸: ۴۵) و از آثار منفی رفتار پرخاشگرانه در عدم سلامت روح و روان می‌توان از بین رفتن صمیمیت، پیدایش دشمنی (ممتاز، ۱۳۸۷: ۱۲۲) و احساس گناه در فرد پرخاشگر نام برد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۲۹).

۲. **الگوی سازشگری:** سازش در لغت به معنای حسن سلوک، خوش رفتاری (دهخدا، ۱۳۲۵: ۱۳۲۶۷/۹)، حصول توافق بین دو تن (انوری، ۱۳۸۲: ۳۹۷۶/۵) و در اصطلاح برطرف کردن کدورت، اختلاف و ایجاد توافق میان طرفین است (عمید، ۱۳۷۷: ۱۳۵۸/۲). در این نوع ارتباط، فرد با عذرخواهی افراطی و کوچک انگاشتن خود، افکار، احساسات و حقوق شخصی خود را به نفع دیگران نادیده می‌گیرد (علاقه‌بند، ۱۳۸۷: ۵۹). انگیزه‌های انتخاب رفتار سازشگرانه را می‌توان دوری از مسئولیت و تنش و جلب تحسین دیگران برشمرد (ستوده، ۱۳۸۸: ۷۷). همچنین برای رفتار سازشگرانه آثار سوئی وجود دارد؛ از جمله فقدان هویت، نارضایتی از روابط و احساسات منفی که خود تأثیر بسیار مخربی بر سلامت روح و روان انسان خواهد داشت (شرفی، ۱۳۷۹: ۹).

۳. **الگوی جرئت‌مندانه یا قاطعیت:** به اعتقاد کیت دیویس (۱۹۹۱ م) (Kate Davis) قاطعیت فرایند بیان احساسات، درخواست تغییرات دادن و دریافت کردن بازخورد صادقانه است. قاطعیت به معنای بهره‌کشی از دیگران نیست، بلکه به معنای محافظت از خود و منافع خود است (اون هارجی و دیگران، ۱۳۷۷: ۲۹۷).

انگیزه‌های استفاده از الگوی قاطعیت عبارت‌اند از: استقلال اندیشه و رسیدن به اهداف و خودباوری، انتقال احساسات، نیازها و ارزش‌های خود به دیگران با روش صحیح (رفیع‌پور، ۱۳۸۸: ۱۰۴) و نمونه‌هایی که به پاسخ‌گویی الگوی قاطعیت اشاره دارد عبارت‌اند از: پیامدهای منفی در بعضی مواقع، ناخشنودی دیگران و متضرر شدن آن‌ها، مواجه شدن با واکنش‌های منفی از طرف دیگران و تضاد خواسته‌های فرد با دیگران.

با تفکری اندک در این سه الگو و تطبیق آن‌ها با معیارهای اسلامی می‌توان به این نتیجه رسید که هیچ‌یک از الگوهای یادشده نمی‌تواند الگویی در حد کمال باشد و همچنین نمی‌تواند باعث سلامت روح و روان حقیقی انسان در همه ابعاد و شرایط زمانی و مکانی مختلف شود؛ از این رو پیشنهاد ما در روابط اجتماعی با برداشت‌ها و مستندات آنست که ذکر خواهد شد، استفاده از الگوی اقتضایی است. در این زمینه منبع و پژوهشی در دسترس نیست که به صورت مستقل و جامع به این موضوع پرداخته باشد. البته در برخی مقالات از جمله (حوزه روابط اجتماعی بر مبنای سبک زندگی اسلامی، حمید فاضل قانع) (ارتباط در زندگی اجتماعی: الگوها، آثار و آسیب‌های آن، علی حسین زاده) (بررسی آفت‌ها و موانع فردی سلامت روح و روان از دیدگاه اسلام، محمد زابلی) به انواع الگوهای رفتاری در روابط اجتماعی و سلامت روح و روان به صورت جداگانه پرداخته شده است، ولی این تحقیقات از جامعیت لازم برخوردار نبوده و به ارتباط این دو و نقش الگوی ارائه شده در سلامت روح و روان نپرداخته‌اند.

الگوی اقتضایی

اقتضا، در لغت به معنای استدعا، طلب، خواهش، درخواست، مطالبه، ادعا و لزوم است. البته به معنای مصدری آن، یعنی وام را بازخواستن، مطالبه کردن و درخور بودن نیز آمده است (عمید، ۱۳۷۷: ۳۴۴).

منظور از الگوی اقتضایی این است که یک چهارچوب مفهومی برای تعیین عوامل مؤثر در اثربخشی ارتباط ارائه شود که بتواند فرد را در یافتن کارایی مؤثر خود در فرایند ارتباطش یاری و همراهی کند. بدین ترتیب ارتباط از دیدگاه این نظریه، پدیده ناشی از تأثیر متقابل افراد در موقعیت و شرایط محیطی خاص به منظور رسیدن به هدف یا هدف‌های مشخص تعریف شده است؛ به این معنا که بهترین راه ارتباط با یک فرد ممکن است برای فرد دیگر که خصوصیات روحی متفاوتی دارد، بدترین شیوه ارتباط باشد. به طور کلی تئوری اقتضا، مبتنی بر این واقعیت است که محیط‌های گوناگون نیازمند روابط اجتماعی متفاوت است. از این رو شیوه ارتباط مؤثر شیوه‌ای است که با محیط اجتماع سازگار باشد تا از این طریق کارایی بیشتری حاصل شود. نظریه مذکور این اندیشه را بیان می‌کند که چون موقعیت‌ها متفاوت است نتایج نیز مختلف می‌باشد. از این رو تأکید این نظریه بر رعایت تناسب میان شیوه ارتباط و ویژگی موقعیت‌هاست.

شخصی نزد رسول خدا ﷺ از همسایه‌اش شکایت کرد که مرا آزار می‌رساند و از من سلب آسایش می‌کند، رسول اکرم ﷺ فرمود: تحمل کن و سرو صدا راه نینداز، شاید روشش را تغییر دهد. بعد از چندی دو مرتبه آمد و شکایت کرد. باز رسول خدا ﷺ فرمود: تحمل کن. برای سومین بار آمد و گفت: یا رسول الله ﷺ، همسایه‌ام دست از روش خویش بر نمی‌دارد و همچنان مرا اذیت می‌کند. این بار رسول خدا ﷺ به او فرمود: روز جمعه اثاث خانه‌ات را بیرون بریز و سر راه مردم که می‌گذرند، قرار ده، اگر مردم علت را از تو پرسیدند، بگو به سبب آزار همسایه‌ات چنین کرده‌ای. شاکی همین کار را کرد، همسایه آزاررسان که وضع را دید به التماس افتاد و خواهش کرد که آن مرد (شاکی) اثاث را به منزل بازگرداند و متعهد شد که دیگر موجبات آزار همسایه‌اش را فراهم نسازد (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۸).

انتخاب بهترین روش، مستلزم توانایی فرد در تشخیص موقعیت‌ها و شرایط و سازگار

کردن رفتارها و اقدامات با نیازهای آن است. بنابراین وظیفه فرد عبارت است از تشخیص اینکه چه نوع تصمیم یا اقدامی در موقعیت خاص و در شرایط خاص و در زمان خاص به تحقق اهداف اصلاحی کمک مؤثر می‌نماید. این الگویانگراین مطلب است که با استفاده از همه اندیشه‌ها و دانش‌های گذشته در شرایط منحصر به فرد، به موضوع توجه می‌کند و می‌کوشد روابط میان موقعیت‌ها، افراد و نتایج کار را قابل پیش‌بینی سازد. اساساً این الگو بر این واقعیت تأکید دارد که آنچه افراد در عمل انجام می‌دهند وابسته به مجموعه شرایط موجود است.

در این نظریه نه تنها به وضعیت موجود پرداخته شده، بلکه تأثیر راه‌حل‌های ارائه شده بر الگوهای رفتاری را نیز مورد توجه قرار داده است. چنان‌که کریس آرگریس (۲۰۱۳م) (Chris Argyris) در نظریه خود به نام نظریه «رشدیافتگی - رشدنیافتگی» آورده است که انسان‌های رشدنیافته به چند طریق رفتار می‌کنند و انسان‌های رشدیافته به چندین طریق رفتاری دیگر (پال هرسی و کنت بلانچارد، ۱۳۹۳: ۵۶-۵۷).

اقتضایی رفتار کردن بدین معناست که یک روش، همه‌جا و برای برخورد با همه افراد مناسب نیست، بلکه بنا به اقتضائات باید رفتار کرد. شرط اقتضایی رفتار کردن، داشتن تنوع رفتاری است که «هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد» و «لُکُلِّ مقام مَقَالٌ». داشتن تنوع رفتاری و اقتضایی رفتار کردن، نشان‌دهنده سلامت روانی و رشدیافتگی شخص نیز می‌باشد. در الگوی اقتضایی به سبب متفاوت بودن شرایط، اصل تقدم استفاده از روش‌های غیرمستقیم و کرداری بر روش‌های مستقیم و گفتاری مورد تأکید قرار گرفته است. در برخی احادیث بر عمل به جای گفتار تأکید شده و کنایه و تعریض به جای توبیخ آشکار توصیه و نصیحت در پنهان سفارش شده است. امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «بدکار را با پاداش دادن به نیکوکار بیازار» (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۷). نیز از ایشان روایت است که فرمود: «توبیخ کنایی (تعریض) برای فرد عاقل سخت‌تر از توبیخ آشکار است». آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: «انسان عاقل، با

ادب متنبه می شود و تنها چهارپایان هستند که جز با زدن اصلاح نمی گردند». همچنین ایشان فرموده اند: «کیفر خردمندان به صورت کنایه و تلویحی است و کیفر نادانان صریح و آشکار است». در نهج البلاغه آمده است: «آن که خود را پیشوای مردم سازد پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش پردازد و پیش از آنکه به گفتار تعلیم فرماید باید به کردار ادب نماید» (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۵: ۷۲/۱). امام صادق علیه السلام فرموده اند: «با عمل و رفتار پسندیده خود، مردم را به خوبی ها دعوت کنید و دعوتگر زبانی نباشید» (قمی، ۱۳۸۳: ۷۸/۲).

نمونه هایی از الگوی اقتضایی در سیره معصومین علیهم السلام در شرایط زمانی و مکانی مختلف

۱- سکوت حضرت علی علیه السلام بعد از غصب خلافت

امام علی علیه السلام درباره اقدام نکردن خود چنین می فرماید:

«من در قضیه خلافت از جانم نترسیدم. وقتی دیدم خلافت به دست کسان دیگری افتاده، از ترس جانم نبود که اقدام جدی نکردم و شمشیر نکشیدم، بلکه از گمراهی مردم ترسیدم».

آن حضرت در جایی درباره همین مسئله می فرماید: «أَمَا قَوْلُكُمْ أَكُلَّ ذَلِكَ كَرَاهِيَّةَ الْمَوْتِ فَوَاللَّهِ مَا أَبَالِي دَخَلْتُ إِلَى الْمَوْتِ أَوْ خَرَجَ الْمَوْتُ إِلَيَّ» (نهج البلاغه، خطبه ۵۵)؛ می گویند، آیا این همه کنار کشیدن و مماشات و خودداری کردن از جنگ و گرفتن حق، به این دلیل است که از مرگ کراهت دارد و می ترسد که کشته شود؟ به خدا قسم، علی علیه السلام باک ندارد که او به طرف مرگ برود و یا مرگ به سراغ علی علیه السلام بیاید!

بنابراین امیرالمؤمنین علیه السلام به اقتضای شرایط عمل می کند، اگر در موقعی راه مماشات را در پیش می گیرد و به جنگ روی نمی آورد، تنها ملاحظه اش مصالح اسلام و جامعه اسلامی است؛ اما از سوی دیگر آنگاه که جنگ را وظیفه و تنها راه چاره تشخیص دهد، بی هیچ ملاحظه ای به آن اقدام خواهد کرد.

۲. پیام عزتمندانه صلح امام حسن علیه السلام

یکی از دلایل مهم صلح امام حسن علیه السلام را می توان «حفظ دین» بیان کرد؛ زیرا وضعیت جامعه اسلامی در شرایطی قرار داشت که ممکن بود جنگ با معاویه، اصل دین را از بین ببرد (پیشوایی، ۱۳۸۱: ۹۷).

از سوی دیگر، مردم نیز از نظر فرهنگی در وضعیتی قرار داشتند که جنگ، نوعی بدبینی به دین و مقدسات را به وجود می آورد. بر همین اساس امام حسن علیه السلام یکی از دلایل صلح خود را اقتضای جامعه برای حفظ دین بیان کرد؛ چنان که او در پی اعتراض برخی از شیعیان فرمود: ترسیدم ریشه مسلمانان از زمین کنده شود و کسی از آنان باقی نماند؛ از این رو با مصالحه ای که انجام گرفت، خواستم دین خدا حفظ شود (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۰۳).

آن حضرت همچنین فرمود: «من صلح را پذیرفتم تا از خون ریزی جلوگیری کنم و جان خود، خانواده و اصحاب صمیمی خویش را حفظ کرده باشم» (جعفریان، ۱۳۸۱: ۱۵۵).

با توجه به مطالب یادشده باید گفت: صلح امام حسن علیه السلام قهرمانانه ترین نرمش تاریخ است که با توجه به شرایط زمانی و مکانی آن عصر به وجود آمد.

۳. برخورد انگیزشی امام حسین علیه السلام با حر

با دستور امام حسین علیه السلام مبنی بر حرکت یاران، حرمانع ادامه حرکت شد که امام بر مقتضای حال حربه ایشان فرمود: «تَكَلُّكَ أُمَّكَ! مَا الَّذِي تُرِيدُ أَنْ تَصْنَعَ؟»؛ مادرت به عزایت بنشیند، چه قصدی داری؟ حر گفت: آگاه باشید که به خدا قسم اگر غیر شما از عرب به من آن عبارت را می گفت در حالی که وضعیت او چون شما باشد همین عبارت را به او باز می گفتم؛ اما به خدا قسم برای من این حق نیست که یاد مادر شما کنم مگر به نیکوترین وجهی که می توانم (خوارزمی، ۱۴۱۸: ۲۳۲/۱) و همین حرکت محترمانه باعث اصلاحگری حر بن یزید ریاحی شد.

۴. نقش برآب کردن توطئه مأمون توسط امام رضا علیه السلام

در پی درخواست مأمون از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام برای پذیرش ولایت عهدی، ایشان با تدبیری الهی، به مقتضای شرایط حکومتی مأمون، بهترین تصمیم را گرفت. امام علیه السلام آشکارا نارضایتی خویش را از این سفر هنگام خروج از مدینه بیان کرد و همچنین به شدت در مقابل پذیرش ولایت عهدی مقاومت کرد تا جایی که کار مأمون به تهدید انجامید. سرانجام امام با مشروط کردن پذیرش ولایت عهدی به دخالت نکردن در خلافت، او را شکست داد. پس از این بود که امام علیه السلام این تهدید را به فرصت تبدیل کرد و از این موقعیت برای گسترش معارف شیعه و حقانیت اهل بیت علیهم السلام بهره برداری نمود و در راستای هدف مبارک خویش به اصلاحگری افراد و جامعه و حفظ مصالح اسلام پرداخت.

۵. رد شفاعت برای تبرئه زن سارق

زنی از اشراف قریش به نام فاطمه مخزومی، مرتکب سرقت شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد حد الهی را درباره او جاری کنند. قبیله بنی مخزوم ناراحت شدند و کوشیدند به هر وسیله ای، مانع اجرای حد شوند. اُسامة بن زید که مورد توجه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود از ایشان تقاضای عفو کرد؛ اما حضرت سخت ناراحت شد و ضمن استفاده از شرایط مناسب پیش رو برای اشاعه فرهنگ عدالت محوری فرمود: آیا درباره حدی از حدود خدا شفاعت می کنی؟ سپس از جا حرکت کرد و ضمن خطبه ای فرمود: ای مردم! علت اینکه ملت های قبل از شما هلاک شدند این بود که اگر فرد بلندپایه ای از آنان خطایی می کرد او را به مجازات نمی رساندند، اما اگر از مردم ناتوان و گمنام، کسی خلاف می کرد، حکم خدا را درباره وی اجرا می کردند. سوگند به خدا، اگر [بفرض محال] دخترم فاطمه علیها السلام نیز دست به چنین کاری بزند حکم خدا را درباره او اجرا می کنم و در برابر قانون خدا، فاطمه مخزومی با فاطمه محمدی علیها السلام یکسان است (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۴/۱۸۵).

با بررسی موارد یاد شده به این نتیجه خواهیم رسید که برای رسیدن به آرامش روحی مورد رضایت خداوند و انجام وظیفه باید در شرایط مختلف از روش‌های گوناگون استفاده کنیم، همان طور که بیان شد هر یک از معصومین علیهم‌السلام در زمان‌ها و مکان‌های مختلف از الگوی اقتضایی که شامل روش‌های رفتاری متفاوتی همچون نرمش قهرمانانه، سکوت، نهیب و قاطعیت است، استفاده کرده‌اند.

نقش الگوی اقتضایی در سلامت روح و روان

در ادامه، به برخی از آثار الگوی اقتضایی که نقش ویژه‌ای را در سلامت روح و روان ایفا می‌کنند، اشاره می‌کنیم.

الف- جذب حداکثری و دفع حداقلی

بدیهی است که در یک زندگی اجتماعی، تحولات و دگرگونی‌های فراوانی پدید می‌آید و تلخی‌ها و شیرینی‌های گوناگونی مطرح می‌شود. در این میان، مهم آن است که یک انسان متعهد و مؤمن با روش‌های حساب شده و منطقی، تحولات را ارزیابی نماید و با آن برخوردهای اساسی کند تا سرانجام تحولات، تقویت ارزش‌های تکاملی و پیشرفت جامعه اسلامی باشد. در آن صورت است که آرامش، جامعه را دربر خواهد گرفت. در این زمینه باید از قدرت «جاذبه و دافعه» به درستی استفاده شود؛ چنان که امام علی علیه‌السلام فرموده است: «رَحِمَ اللهُ رَجُلًا رَأَى حَقًّا فَأَعَانَ عَلَيْهِ، أَوْ رَأَى جَوْرًا فَرَدَّهُ، وَكَانَ عَوْنًا بِالْحَقِّ عَلَى صَاحِبِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۵)؛ خدا رحمت کند آن کس را که اگر حقی را دید یاری کند (جاذبه) و اگر ستمی را مشاهده کرد با آن مبارزه کند و آن را از میان بردارد، به یاری صاحب حق برخیزد و برضد ستمگر قیام نماید (دافعه).

الگوی اقتضایی به دنبال جذب افراد است؛ مثلاً دشمن گرچه دشمن است، اما می‌شود با برخوردهای انسانی قلب او را تسخیر کرد و از او یک دوست وفادار ساخت و البته از احتیاط و دوراندیشی نباید غفلت کرد که تلخی‌های فراوانی به بار خواهد آورد.

با این روش، می‌توان جذب حداکثری و دفع حداقلی داشت و جذب حداکثری و دفع حداقلی می‌تواند برای همگان خوشایند و شیرین باشد؛ زیرا در این شیوه فردی که قرار بود از خوبی‌ها دور شده و بد باشد، به خوبی‌ها نزدیک می‌شود و با افزایش و قدرت یافتن خوبان و خوبی‌هاست که سلامت روح و روان افراد جامعه رونق می‌گیرد. امام علی علیه السلام دربارهٔ برخورد انسانی و به کارگیری اصل «جاذبه» در برابر دشمن می‌فرماید: «إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ» (همان، حکمت ۱۱)؛ هنگامی که بردشمنت پیروز شدی عفو را شکرانهٔ این پیروزی قرار ده.

آن حضرت به سربازانش در جنگ سفارش می‌کند: «فَإِذَا كَانَتِ الْهَزِيمَةُ بِإِذْنِ اللَّهِ فَلَا تَقْتُلُوا مُدْبِرًا، وَلَا تُصِيبُوا مُعَوَّرًا، وَلَا تُجْهِزُوا عَلَى جَرِيحٍ وَلَا تَهَيِّجُوا النِّسَاءَ بِأَذَى، وَإِنْ شَتَمَنَّ أَعْرَاضَكُمْ، وَسَبَبَنَّ أَمْرَاءَكُمْ» (همان، نامه ۱۴)؛ آنگاه که به اذن خدا آنان را شکست دادید فراریان را نکشید و ناتوان‌ها را ضربت نزنید و مجروحان را نکشید و با اذیت و آزار، عواطف زنان را جریحه‌دار نکنید اگر چه زنان به شما دشنام دهند و فرماندهان شما را ناسزا گویند.

ب - نفوذ در مخاطب، اقتناع، دریافت پاسخ مثبت و هدایت او

در بسیاری از ملاقات‌ها، آنچه برای ما اهمیت دارد، اثرگذاری بر مخاطبان و نفوذ در نگرش‌های آنان است. معمولاً ما علاقه‌مندیم تا نگرش‌های مخاطبان را در مورد مسئله مورد نظر دگرگون کنیم و با آنچه خود می‌اندیشیم یکسان سازیم؛ برای رسیدن به این هدف ناگزیر به شناخت موقعیت ارتباطی هستیم. مثلاً احساساتی همانند همدردی، همدلی، رضایت از رابطه با دیگران و... جزء احساسات مثبت به شمار می‌آیند. وجود این نوع احساسات در افراد، نشانهٔ سلامت روانی آن‌ها بوده و اگر به شیوهٔ مناسب و مطلوبی ابراز شوند، باعث شادکامی، بهبود روابط، پایداری دوستی‌ها و رضایت از زندگی خواهند شد، ولی اگر همین احساسات مثبت در موقعیت ارتباطی نامناسبی ابراز شوند افسردگی و ناراضی‌تی در روابط را در پی خواهند داشت.

منظور از نفوذ و اثرگذاری، فریب مخاطب نیست، بلکه نفوذ به حق در دیگران است. یکی از عوامل پیشرفت رسول اکرم ﷺ در صدر اسلام، نفوذ آن حضرت در دل‌ها بود؛ چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران / ۱۵۹)؛ از پرتو رحمت الهی در برابر آن‌ها [مردم] نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

مردم به انسان مهربان دل می‌بندند، از همین رو پیامبر گرامی اسلام ﷺ را رها نکردند؛ زیرا آن حضرت نه جفاکار بود و نه سنگدل، بلکه به فضل الهی رفتاری سرشار از وفا و عطوفت و مهربانی داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/۴۲). یکی از عوامل نفوذ موفق، آشنا بودن به مبانی فکری طرف مناظره و توجه به اعتقادات طرف مقابل است. هرچه آشنایی با اعتقادات مخاطبان بیشتر باشد عمیق‌تر و راحت‌تر می‌توان به تفکرات آن‌ها نفوذ یافت.

به عنوان مثال امام رضا علیه السلام در گفتگوبها جاثلیق مسیحی برای اثبات پیامبری حضرت محمد ﷺ از کتاب انجیل مطالبی آورد و سپس برخی از اوصافی را که در تورات و انجیل برای پیامبر ﷺ ذکر شده از زبان قرآن بیان نمود و از جاثلیق در خصوص تطبیق این اوصاف در انجیل و تورات بر پیامبر اکرم ﷺ اعتراف گرفت. امام علیه السلام در مناظره‌ای دیگر برای اثبات وصایت پیامبر ﷺ و نام فرزندان ایشان سفیری از زبور را مورد استفاده قرار داد که این بار مورد تصدیق رأس الجالوت آن عالم یهودی قرار گرفت و بدین ترتیب جاثلیق و رأس الجالوت مقهور تسلط کامل امام علیه السلام بر مبانی معرفتی آن‌ها گشتند؛ به نحوی که به برتری دین مبین اسلام اذعان نمودند (ابن بابویه، ۱۳۷۳: ۱۸۳). مرحله بعد از نفوذ، برانگیختن مخاطب به عمل است. وقتی از شیوه مورد علاقه شخص مخاطب خود و اطرافیان استفاده می‌کنید، آن‌ها به اقدام و خواسته شما پاسخ مثبت می‌دهند. ممکن است مجبور باشید که کمی بیشتر تلاش کنید، این تلاشی ارزشمند است که به اجرا و انجام آن می‌ارزد؛ زیرا در وقت و نیروی آینده شما

صرفه جویی می کند. شخص مخاطب شما و اطرافیان شما نیز از اقدامی که کرده اید استقبال خواهند کرد؛ زیرا می فهمند که برای تماس با شما از چه شیوه هایی باید استفاده کنند تا آن ها را به نتیجه دلخواهشان برساند.

یکی از بهترین راه های کسب اطلاع در این زمینه که مخاطب شما چه روشی را می پسندد، این است که موقعیت ارتباطی و مشترکات مورد قبول را ارزیابی کنید که این از شاخصه های اصلی الگوی اقتضایی است؛ به عنوان نمونه هنگامی که مشرکان خون خوار و جنایت پیشه که سالیان دراز هر چه در توان داشتند بر ضد اسلام و شخص پیامبر ﷺ به کار گرفتند، در چنگال مسلمانان گرفتار شدند، پیامبر اکرم ﷺ برخلاف تمام مناسبات دوستان و دشمنان، فرمان عفو عمومی صادر کرد و همه جنایات آن ها را به دست فراموشی سپرد و همین سبب شد که به مصداق «يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» (نصر/ ۲) مردم فوج فوج مسلمان شوند. این شیوه پیامبر اسلام ﷺ بالاترین شناخت از موقعیت ارتباطی را نشان می دهد؛ چرا که بهترین پاسخ، یعنی ایمان آوردن مردم آن هم به صورت فوج فوج را در پی داشت. این نوع برخورد آن حضرت ﷺ رضایت خداوند متعال و شادی همه مردم، چه دوست و چه دشمن را فراهم آورد.

ج - تعلیم و تربیت بهتر

یکی از ویژگی های بشر، وجود تفاوت های فردی میان مردم است. بی گمان انسان ها در قابلیت یادگیری، استعداد های فردی و نوع تربیت و فرهنگ خانوادگی و بومی، دارای تفاوت های فردی متنوعی می باشند. توجه به این نکته لازم است که شناخت روحیات افراد و اهمیت دادن به این تفاوت های فردی در پیشبرد اهداف تربیتی بسیار مؤثر است؛ از این رو از اصولی که افراد باید در روابط اجتماعی خویش به آن توجه کنند، اصل تفاوت های فردی است.

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که تفاوت ها و برتری میان افراد را برای ما تشریح می کند؛ مانند تفاوت در خلقت و در عمل و در محیط های گوناگون. شکی نیست که

تفاوت‌های میان افراد ناشی از حکمت الهی است؛ زیرا همین تفاوت است که جامعه انسانی را به سوی تکامل مستمر سوق می‌دهد؛ به طوری که اگر بشر مانند زنبور عسل خلق شده بود؛ یعنی حس کمال طلبی و بلندپروازی انسانی در نهاد او وجود نمی‌داشت در آن صورت تکامل و ترقی برای انسان امری محال جلوه می‌کرد (شکوهی، ۱۳۶۳: ۸۶).

در حدیث شریفی به نقل از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است: «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۶)؛ ما گروه انبیاء مأموریت داریم که با مردم در حدود عقلشان سخن بگوییم. هر مسلمان نیز به پیروی از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باید به اصل «تفاوت‌های فردی» توجه کند و به اندازه توانایی و توانمندی افراد توقع داشته باشد. توجه به این اصل مهم در الگوی اقتضایی است که معنای حقیقی خود را پیدا می‌کند؛ چرا که یکی از مهم‌ترین اصول الگوی اقتضایی، توجه به تفاوت‌های فردی است. در نتیجه توجه به این اصل مهم می‌توان تعلیم و تربیت بهتری داشت و وقتی که افراد تحت تعلیم و تربیت صحیح قرار گیرند، می‌توانند فرد مفیدی باشند و در نهایت سلامت روح و روان را برای خود و آحاد جامعه به ارمغان آورند.

د- افزایش مشترکات و تبدیل اختلاف‌ها به عامل پویایی

در الگوی اقتضایی، آغاز کردن از نقاط مورد اتفاق که بحث را بر زمینۀ مشترکی متمرکز سازد حائز اهمیت است. وجوه مشترک می‌تواند پایه و اساس تعامل قرار گیرد و روح تفاهم و نزدیکی را میان دو طرف برقرار سازد. در این صورت، این تعامل‌ها می‌تواند اختلاف‌ها را به عامل پویایی، هم‌افزایی و نشاط و آرامش تبدیل نماید. در الگوی اقتضایی است که می‌توان دنبال نقاط مشترک گشت و سپس بهترین نوع برخورد را جستجو کرد، اما در الگوهای دیگر، هیچ زمانی اختلافات به عامل پویایی تبدیل نخواهد شد.

در قرآن و مناظرات معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز، جنبه‌های مشترک اسلام و دیگر فرهنگ‌ها و

ادیان مورد توجه قرار گرفته است. اعتقاد به خدای یگانه، کتب آسمانی و پیامبران الهی، برخی مناسک، عبادات و فضائل انسانی و... از وجوه مشترکی است که ادیان و فرهنگ‌های گوناگون را به یکدیگر نزدیک می‌کند و زمینه تعامل آنان را فراهم می‌آورد. قرآن کریم با توجه به این وجوه مشترک، پیروان دیگر ادیان الهی را به شاهره هدایت و پیروی از خدای واحد فراخوانده است. از جمله آیاتی که توجه قرآن به روح مشترک ادیان الهی را نشان می‌دهد آیه ۶۸ سوره آل عمران است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛ بگو: ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد. پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند، بگویید: شاهد باشید که ما مسلمانیم.

به اعتقاد علامه فضل الله این نوع برخورد قرآن، شیوه جدیدی در تبلیغ است که بر پایه یافتن نقاط تلاقی و اشتراک استوار است تا از این رهگذر، به اصل و خمیرمایه دعوت پرداخته شود و از آغاز، نقاط اختلافی و تعصب برانگیز مطرح نگردد (فاضلی، ۱۳۸۱: ۳۲). افراد در الگوی اقتضایی با توجه ویژه به مشترکات خود، با دیگران روابط بسیار صمیمی برقرار خواهند کرد؛ چرا که ایجاد و تداوم دوستی و صمیمیت بر پایه اشتراکات خواهد بود. حال اگر افراد در موقعیت‌ها و مقتضیات زمانی و مکانی گوناگون بتوانند نقاط مشترک را کشف کنند، می‌توانند روابط اجتماعی را گسترش دهند و آرامش و روانی سالم را برای خود و هم‌نوعان در اجتماع به ارمغان بیاورند.

ه- محبوبیت و احساس مقبولیت اجتماعی

یکی از نیازهایی که به موازات بلوغ جنسی، در جسم و روان انسان ظهور می‌کند، محبوب واقع شدن نزد دیگران است. فردی که بتواند ارتباط سالمی با دیگران برقرار کند، در کانون توجه مثبت بسیاری از افراد خواهد بود. البته هر فردی باید دارای

ویژگی‌هایی باشد تا بتواند این ارتباط سالم را ایجاد نماید. روان‌شناسان این ویژگی و استعداد خاص را هوش اجتماعی نامیده‌اند. هوش اجتماعی، هنری است که در سایه آن می‌توان با دیگران ارتباط برقرار کرد و در غم و شادی آن‌ها شریک شد. کسی که احساس کند محبوب دیگران واقع شده، روح و روانی سالم‌تر خواهد داشت.

خانم الیزابت هارلوک، روان‌شناس معاصر سه عامل شادی را این‌گونه بیان کرده است: محبوبیت، مقبولیت و موفقیت. محبوبیت؛ یعنی دیگران را دوست داشته باشیم و دیگران هم دوستان داشته باشند. مقبولیت؛ یعنی مورد پذیرش دیگران بودن و موفقیت؛ یعنی موفق بودن در کارها (مزلو، ۱۹۹۵: ۹۳). اطمینان افراد از موقعیتی که نزد دیگران دارند، سلامت روحی و شادابی آنان را فراهم می‌نماید. وقتی کسی فکر کند آدم دوست داشتنی است، با دیگران ارتباط برقرار می‌کند و به افسردگی یا گوشه‌گیری مبتلا نمی‌شود.

برای دستیابی به مقبولیت اجتماعی لازم است که افراد در شرایط مختلف بهترین واکنش ممکن را انجام دهند؛ یعنی اینکه اگر در جایی که مهربانی لازم است تندی شود و یا اگر در جایی که نهیب لازم است با نرمی و مدارا رفتار شود و اگر در جایی که قاطعیت لازم است با سهل‌انگاری برخورد شود، مقبولیت و محبوبیت افراد از بین می‌رود. هنر الگوی اقتضایی این است که خود را به روش خاصی محدود نمی‌کند، بلکه به فرد این اختیار را می‌دهد تا بر اساس شرع و عقل، بهترین نوع برخورد خود را در هر موقعیت اجتماعی مشخص کند.

گفتنی است پرسش از «چگونگی دستیابی به مقبولیت اجتماعی» همسوبا سرشت انسان‌هاست، چنان‌که این نیاز فطری در گفتگوهای اصحاب رسول خدا ﷺ با آن حضرت به چشم می‌خورد و در عصرها و نسل‌های مختلف به خوبی نمایان است. داستان درس آموز مراجعه مردی از ارادتمندان رسول خدا ﷺ به محضر آن حضرت و ارائه پرسشی در این باره را امیرمؤمنان علیؑ بازگویی کند:

مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: «عَلِمْنِي عَمَلًا يُحِبُّنِي اللَّهُ عَلَيْهِ، وَيُحِبُّنِي الْمَخْلُوقُونَ...»؛ ای رسول خدا! مرا عملی بیاموز که خداوند مرا بنا بر انجام آن، دوست بدارد و نزد مردم محبوبیت و جایگاه اجتماعی پیدا کنم و... پیامبر ﷺ حکیم و پرمهر فرمودند: «اگر دوست داری خدا تورا دوست داشته باشد خوف از او داشته باش و در زندگی خویش پرهیزکاری را شیوه همیشه خود کن و اگر می خواهی نزد مردم محبوب و مقبول باشی نخست به آنان نیکی و خدمت کن، دیگر آنکه هیچ امید و طمعی به دارایی های آنان نداشته باش تا همیشه آزاد و آزاده، همانند آنان زندگی کنی و سربلند باشی» (نوری، ۱۴۰۸: ۴/۴۷۲).

امام علی علیه السلام نیز شیوه دستیابی به پایگاه اجتماعی و مقبولیت عمومی در جامعه را چنین بیان می فرماید:

تعجب می کنم از کسی که سیم و زر می دهد و بنده می خرد، اما با اخلاق خوش و نیکوکاری، مردان آزاد را شیفته و مطیع خود نمی سازد. با خلق خدا مهربان باشید تا مورد ستایش واقع شوید و پاداش برید. دل های مردم وحشی و رمنده است؛ هر که آن ها را با الفت و نوازش رام کند، رو به سوی او می آورند. با مردم چنان با خوبی و نیکویی نشست و برخاست کنید که اگر بمیرید بر شما بگریند و اگر دور شوید آرزوی دیدار شما کنند (حرّ عاملی، ۱۳۸۷: ۱۲/۱۲).

بعضی گمان می کنند پیامبران الهی فقط با نیروی اعجاز، در قلوب مردم نفوذ می کردند، در حالی که غیر از مسئله اعجاز، یکی از عوامل نفوذ آنان، اخلاق و رفتار کاملاً انسانی ایشان بوده است. شکل رفتار پیامبر اسلام ﷺ با مردم طوری بود که آنان را به سرعت به سوی خود و تعلیمات و الایش جلب و جذب می کرد. آن حضرت از پیروان خود نیز خواسته است از این عنصر سازنده در روابط اجتماعی خود استفاده نمایند؛ آنجا که می فرماید:

ای فرزندان عبدالمطلب! شما نمی توانید با ثروت و سرمایه مادی خود محیط وسیع

و پرمهری را به وجود آورید که همه مردم را دربرگیرد و دل‌های آنان را به شما متوجه سازد. پس با روی بشاش و چهره‌ای گشاده با مردم برخورد نمایید و محبتشان را جلب کنید (کلینی، ۱۳۷۲: ۱۰۳/۲).

نتیجه‌گیری

با بررسی مباحث گذشته این نتیجه به دست آمد که الگوی صحیح و کامل در روابط اجتماعی، با توجه به آیات قرآن کریم و سیره معصومین علیهم‌السلام الگوی اقتضایی است. بدین ترتیب برقراری رابطه از دیدگاه این نظریه، پدیده‌ای ناشی از تأثیر متقابل افراد در موقعیت و شرایط محیطی خاص به منظور رسیدن به هدف یا هدف‌های مشخص تعریف شده؛ به این معنا که بهترین راه ارتباط با یک فرد ممکن است برای فرد دیگر که خصوصیات روحی متفاوتی دارد بدترین شیوه ارتباط باشد.

با بهره‌گیری از این شیوه، جذب دوستان، حداکثری و دفع دشمنان، حداقلی خواهد بود، نفوذ در مخاطب به بهترین شیوه، اقناع ایشان آسان‌تر و دریافت پاسخ مثبت و هدایت او سریع‌تر خواهد بود. تعلیم و تربیت بهتر انجام شده و مشترکات فزونی یافته و اختلاف‌ها به عامل پویایی تبدیل خواهد شد. همچنین محبوبیت و احساس مقبولیت اجتماعی فرد بیش از پیش افزایش خواهد یافت.

به طور کلی تئوری الگوی اقتضایی، بر این واقعیت استوار است که محیط‌های گوناگون نیازمند روابط اجتماعی متفاوت است؛ از این رو شیوه ارتباط مؤثر شیوه‌ای است که با محیط اجتماع و دیگر عوامل مؤثر، سازگار باشد تا از این طریق نشاط و سرزندگی بیشتری ایجاد گردد و در نهایت سلامت روح و روان افراد جامعه حاصل شود. این نظریه بر اساس این اندیشه است که چون موقعیت‌ها متفاوت است نتایج نیز مختلف می‌باشد؛ از این رو تأکید این نظریه بر رعایت تناسب میان شیوه ارتباط و ویژگی موقعیت‌هاست. در روابط اجتماعی هیچ شکل واحدی از رابطه وجود ندارد که

متناسب با تمام موقعیت‌ها باشد، بلکه برای مؤثر بودن، افراد باید شیوه و مجموعه رفتارهایی را که ویژه همان موقعیت خاص است، در پیش بگیرند؛ چنان که ائمه اطهار علیهم‌السلام به دلایل متفاوت، در بعضی اوقات سکوت پیشه کردند و در برخی اوقات به جنگ پرداختند و در شرایطی با نهیب و زمانی دیگر با قاطعیت برخورد کردند. هدف اصلی در الگوی اقتضایی، اصلاحگری و در نهایت جلب رضایت و خشنودی پروردگار متعال است که اگر این مهم به طور کامل به دست آید، در نهایت سلامت روح و روان را به ارمغان خواهد آورد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آرگایل، مایکل، *روان‌شناسی شادی*، ترجمه حسن پالانگ و دیگران، جهاد دانشگاهی، اصفهان، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا علیه‌السلام*، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، صدوق، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم*، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، *تاریخ مدینه دمشق*، ترجمه علی شیری، دارالفکر، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۷. ابن هشام، عبدالملک، *سیره ابن هشام*، ترجمه هاشم رسولی، کتابچی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۸. ابوالمعالی، خدیجه، *نظریه‌های جرم‌شناسی و بزهکاری*، ارجمند، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.
۹. انوری، حسن، *فرهنگ بزرگ سخن*، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۱۰. اون هارجی و دیگران، *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان‌فردی*، ترجمه خشایار بیگی و دیگران، اسوه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
۱۱. بهادری نژاد، مهدی، *شادی و زندگی*، نشر اوحدی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ش.
۱۲. پال هرسی و کنت بلانچارد، *مدیریت رفتار سازمانی*، امیر کبیر، تهران، چاپ چهارم،

- ۱۳۹۳ ش.
۱۳. پسندیده، عباس، *الگوی اسلامی شادکامی*، دارالحدیث، قم، ۱۳۹۲ ش.
۱۴. پیشوایی، مهدی، *سیره پیشوایان*، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. جعفریان، رسول، *منابع تاریخ اسلام*، انصاریان، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ش.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، اسراء، قم، چاپ نهم، ۱۳۹۱ ش.
۱۷. جوکار، بهرام و صفورا سپهری، «رابطه شادی و شیوه‌های گزینش»، *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی*، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۶ ش.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، قم، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ش.
۱۹. خوارزمی، موفق بن احمد، *مقتل الحسین*، ترجمه مصطفی صادقی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق.
۲۰. دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه*، دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم، ۱۳۲۵ ش.
۲۱. رفیع‌پور، فرامرز، *سرطان اجتماعی فساد*، عماد، تهران، ۱۳۸۸ ش.
۲۲. ستوده، هدایت‌الله، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، آوای نور، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ش.
۲۳. شرفی، محمدرضا، *جوان و نیروی چهارم زندگی*، سروش، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۲۴. شعاری نژاد، علی اکبر، *فرهنگ علوم رفتاری*، امیرکبیر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۲۵. شکوهی، محسن، *مبانی تعلیم و تربیت اسلامی*، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۲۶. شولتس، دوآن، *روان‌شناسی کمال*، ترجمه گیتی خوش‌دل، نشر پیکان، تهران، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۵ ش.
۲۷. شیخ‌آوندی، داور، *جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه ایران*، قطره، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۴ ش.
۲۸. صدیق سروسستانی، رحمت‌الله، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ش.
۲۹. طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الأخلاق*، ترجمه سید ابراهیم میرباقری، انتشارات فراهانی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۲ ق.
۳۰. علاقه‌بند، علی، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، روان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
۳۱. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۳۲. فاضلی، مهسا، «اهمیت تعامل و گفت و گوی فرهنگی در منظر قرآن»، *پژوهش‌های*

- قرآنی، شماره ۳۲، ویژه‌نامه قرآن و ادیان و فرهنگ‌ها، ۱۳۸۱ ش.
۳۳. فتی، لادن و همکاران، *آموزش مهارت‌های زندگی*، دانه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ش.
۳۴. فرانزوی، استفن ال، *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه مهرداد فیروزبخت و منصور قنادان، خدمات فرهنگی رسا، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۱ ش.
۳۵. قمی، شیخ عباس، *سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار*، ترجمه محمدباقر سعادی خراسانی، آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ش.
۳۶. کلاین برگ، اتو، *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه علی محمد کاردان، انتشارات فرانکلین، تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۲ ش.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، اسوه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۲ ش.
۳۸. لوک بدار و همکاران، *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه حمزه گنجی، نشر ساوالان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ش.
۳۹. لهسایی زاده، عبدالعلی، *نابرابری و قشریندی اجتماعی*، دانشگاه شیراز، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
۴۰. مانوئل. جی، اسمیت، *روان‌شناسی اعتراض*، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، انتشارات درس، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۴ ش.
۴۱. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، مؤسسة الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۴۲. محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، دارالحدیث، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
۴۳. معین، محمد، *فرهنگ معین*، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۵۶ ش.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش.
۴۵. ممتاز، فریده، *انحرافات اجتماعی*، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ش.
۴۶. نش، کیت، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، ترجمه محمدتقی دلفروز، کویر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ش.
۴۷. نوری، حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل*، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۴۸. هومن، حیدر علی، *شناخت روش علمی در علوم رفتاری*، نشر پارسا، تهران، ۱۳۷۳ ش.